

الفالوذج

ناصر پاکدامن

در بیان استحباب یوم النیروز

غرض از این مختصر معرفی کتاب كوچك و جزوه مانندی است كه حدود نیم قرن پیش در شهر یزد درباره جشن نوروز به چاپ رسیده است. مشخصات کتابشناسی این اثر از قرار زیر است:

سیدهاشم نجفی یزدی، رساله نوروزیه نجفی، یزد، چاپخانه شرکت پاینده، جمادی الاول ۱۳۷۱ ق. / اسفند ۱۳۳۰، رقعی، ۶۷ صفحه.

سیدهاشم نجفی انگیزه خود را در تألیف این اثر چنین بیان می کند: «چون در موضوع نوروز و عیدداری آن اختلاف در کار بود و بعضی از اهل علم و اهل منبر، گوشه و کنار در ایام تحویل و یوم النیروز به مناسبت وقت، اعتراضاتی بر این عید سعید داشته و دارند و بدون اطلاع بر ادله و مدارك، شرعیت آن را تضعیف و در نظر

عامه مسلمین آن را موهون و غیر مشروع جلوه می دهند لذا این قلیل البضاعه کثیرالاضاعه تراب اقدام اهل العلم سیدهاشم الحسینی الطباطبایی نسباً و الیزدی اباً و مسکناً و النجفی اماً و مولداً...» تصمیم گرفت این کتاب را بنویسد و منتشر کند تا موافقت نوروز و نماز نوروز و غسل نوروز را با شرعیت جعفری مبرهن و مدلل سازد.

سیدهاشم بضاعت ناچیز دارد و اضاعت فراوان، خاک پای اهل علم است نسبتش به سادات حسنی طباطبایی می رسد. پدرش یزدی است و پسر هم در یزد سکونت دارد. مادرش نجفی است و پسر هم در نجف زاده شده است. این چنین کسی است که می خواهد پاسخ آن گروه از «علمایی» را فراهم آورد که نوروز و بزرگداشت نوروز را کفر و زندقه می دانند و البته که این کس خود از اهل علم است. اساس استدلال سیدهاشم بر چهار نکته متکی است: روایات دال بر استحباب عید نوروز، روایات دال بر استحباب غسل نوروزی، روایات دال بر استحباب نماز نوروزی و بالاخره فتاوی برخی از مراجع تقلید معاصر.

در باره نکته اول علاوه بر ذکر استدلالات کلی درباره عدم تناقض میان ایران باستان و اسلام (مگر نه این است که پیامبر اسلام به این که در دوران انوشیروان دادگر زاده شده است، مباهات کرده است؟)، وی روایتی را نقل می کند که اساس و پایه مدافعات نوروزخواهان است. این روایت که به روایت معلی بن خنیس معروف است در کتاب وسایل الشیعه اثر محمدبن حسن حر عاملی (م. ۱۱۰۴ ق.) که از بزرگان فقه جعفری است و آثارش تاکنون هم مرجع و مطلوب است ذکر شده است: «معلی بن خنیس از امام صادق ع. نقل می کند که گفت اگر نوروز است پس غسل کن و پاکیزه ترین لباس را بپوش و با خوشبوترین عطرها خود را معطر کن و در آن روز روزه باش و زمانی که نماز نوافل و نماز ظهر و عصر را گزاردی چهار رکعت نماز گزار» و پس از شرح چگونگی ادای این چهار رکعت نماز نوروزی، اضافه می کند که «پس از پایان این چهار رکعت، از سر شکر به سجده رو و دعا کن و گناهان پنجاه سالت بخشوده می گردد» (به نقل و ترجمه از سیدهاشم نجفی یزدی، یاد شده، ص. ۵-۶). در همین صفحات است که مؤلف روایت دیگری را نقل می کند که روزی برای علی ع. فالوذج/پالوده آوردند. پرسید این به چه مناسبت است؟ گفتند به مناسبت روز نوروز است (یوم نیروز). پس گفت: «فنوروزا ان قدرتم کل یوم» یعنی «اگر می توانید هر روز نوروزداری کنید» (ص. ۹). پس از روشن کردن رابطه میان فالوذج و نیروز، مؤلف به ذکر نظر همه کسانی می پردازد که غسل نوروزی را از غسل های مستحب دانسته اند و این اظهار نظر را دلیل موافقت ایشان با نوروز تلقی می کند. همچنین است رویه او درباره نماز نوروزی. اما در مورد فتاوی معاصران، وی فتاوی را از آقای سیدجمال گلپایگانی (ص. ۴۷-۴۵) نقل می کند و سپس فتاوی را از آشیخ محمد حسین آل کاشف العضاء و فتاوی دیگری را از آقا سیدمحمدتقی خوانساری که یکی از اعضای هیئت سه نفری بود که پس از مرگ آیت الله حائری، حوزه علمیه قم

را اداره می‌کرد (فتوای او در تأیید ملی شدن نفت معروف است).

در فتوای آشیخ محمدحسین استدلال درباره استحباب نوروز چنین است:

«اعیاد کلیتۀ چهار نوع است. اعیاد دینی مثل فطر و اضحی. اعیاد مذهبی مثل غدیر. عید شمسی یعنی ملتی مثل اعیاد جلوس پادشاهان و روز آزادی و حریت و امثال آن. چهارم عید طبیعی و تکوینی نه جعلی مثل عید نوروز که طبیعت عالم موالید ثلاثه خرم و خوشحال و فرحناک می‌شود و درختها سبز و گلها شکوفه بر می‌گیرد. پس این عید، عید عالمی است نه عید مجوس و نه عید نصاری و اسلام. بلکه عید طبیعی است و اعتدالی. و الخلاصه، عیدداری در این روز نه حرام است و نه بدعت و نه مکروه است و نه عید عجم و نه عید عرب، پس مستحب است طبیعتۀ و تکویناً، و اخبار شرعیه در اینجا مؤکد است و نه مؤسس» این فتوا در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۶۹ قمری یعنی ۱۴ بهمن ۱۳۲۸ صادر شده است.

آنچه در این متن می‌باید مورد توجه واقع شود تقسیم بندی اعیاد است که همه اصل و منشاء دینی یا مذهبی ندارند. علاوه بر اعیاد مذهبی و دینی، اعیادی هم هست چون اعیاد تاجگذاری شاهان و یا روز آزادی و حریت و امثال آن که عید شمسی و یا ملتی نام می‌گیرند و بالاخره اعیادی طبیعی چون نوروز و مهرگان و... پس واقعیت اجتماعی در برگیرنده بخشهایی است که از حیطة دین و حوزه مذهب بیرون است و از زندگی و عادات و رسوم مردمان و یا مقتضیات طبیعی ریشه می‌گیرد و مقامات مذهبی نیز باید به وجود این واقعیتهای غیردینی و ناکیشی گردن گذارند. اینجا چماق تکفیر حاصل ندارد.

استفتاء از آیت‌الله خوانساری از این جهت جالب است که استفتاء‌کنندگان به علانیه به مخالفت برخی محافل مذهبی با نوروز و آئین نوروزی اشاره می‌کنند و از سخنان اهل منبر یاد می‌کنند که مردمان را از بزرگداشت نوروز نهی می‌کنند که اسلامی نیست. پرسش‌کنندگان می‌نویسند: «بفرمایید در موضوع نوروز که بعضی اشکال می‌کنند به این که مدرک آن روایت جعلی ابن‌خنس می‌باشد و ضعیف است و بعضی اهل منبر و ذاکرین یا واعظین روی منبرها صریحاً نهی می‌کنند از عیدداری نوروز که اینها از مجوس است و مربوط به اسلام نیست... به نظر مبارک... بالاخره عیدداری نوروز که معمول است با قطع نظر از ادله تسامح در سنن و اخبار من‌بلغ، آیا چه حکمی از احکام خمسۀ دارد. بدعت و حرام است، یا مکروه و مریوح است یا مستحب و شرعی است؟ استدعا آن که حکم شرعی آن را صریحاً بلکه مشروحاً مرقوم فرمائید؟...»

پاسخ صریح روشن است: «ظاهراً عید گرفتن آن با قطع نظر از اخبار من‌بلغ مستحب شرعی است و کافی است در اثبات آن خبر معلی بن خنیس که متلقی به قبول در نزد اساطین اصحاب... می‌باشد...»

این فتاوی در صفحات ۴۲ تا ۴۷ کتاب سیدهاشم به چاپ رسیده است اما استدلال متشرعان نوروزستیز را می‌توان در کلام شیخ طوسی جستجو کرد که آن هم

در رساله نوروزیه آمده است (ص. ۶۴).

محمدبن حسن طوسی (م. ۴۶۰ ق.)، ملقب به شیخ الطائفه، از بزرگان و پایه گذاران فقه شیعه است. صاحب کتاب و نوشته‌هایی چون **النهايه** که «تا چند قرن مهم‌ترین متن فقهی شیعی به شمار می‌رفت» و بنیانگذار مکتبی که «به عنوان يك دوره دیرپای فقهی، سه قرن تمام، به خوبی پایید و بر جامعه حقوقی و محیط علمی شیعه حکمفرما بود» (حسین مدرسی طباطبایی: **زمین در فقه اسلامی**، ج. اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲، ص. ۵۹). وی در **مصباح‌المجتهد** می‌فرماید: «شکی نیست که عبادات در روز نوروز از دسیسه‌های مجوس است» که در دین مبین افزایش و کاهش آفریدند و عقاید خود را بر آن افزودند. «این امر را سهل‌گیری و تسامح برخی از علما در برابر رسوم و سنن یاری رساند و بسیاری از فقها به استناد سهل‌گیری و تسامح درباره رسوم و سنن، به مستحب بودن غسل و نماز مخصوص نوروز فتوا دادند. اگر این فقها از کتب دین مجوس و عقاید ایشان اطلاع داشتند می‌دانستند که این حدیث از دسایس ایشان است و بزرگداشت این روز مجوس را تحریم می‌کردند و غسل و نماز مخصوص نوروز را از آنجا که بدعت و تشریع در امر دین است حرام می‌شمردند. و اگر عذر بی‌اطلاعی از دین مجوس نمی‌بود، ما به کفر هر کس که نوروز را ترویج کند حکم می‌دادیم، چرا که این عید، عین دین مجوس است و مروج کفر، اگر از سر اشتباه عمل نکند، کافر است» (به نقل و ترجمه از سیدهاشم نجفی یزدی، یاد شده، ص. ۶۴).

یادآوری این نکته که نوروز، عید دینی و مذهبی نیست، در حال و روز مخالفان اثر نمی‌کند و همچنان که گفتن این که نوروز پیش از ظهور زرتشت، مرسوم و متداول بوده است. آنچه را این متشرعان تاب نمی‌آورند برقراری و همه‌گیری مراسم، عادات، آداب و ارزشهایی است که ریشه و اصل و طبع و رنگ دینی و مذهبی ندارند. از گذشته‌های دور تا هم اکنون، تاریخ جوامعی از نوع جامعه ایران، شاهد تنشهای گوناگون و نیرومندی بوده است که میان روال زندگی معمول مردمان با شرع و آیین و رسم از راه رسیده، پدید می‌آید.

پایداری و نیرومندی این تنشها حکایت از آن دارد که گفتار آیین‌داران، تنها گفتار فرهنگی حاضر در جامعه نیست. در برابر، در کنار و یا به موازات گفتار فرهنگی شرع، گفتارها و رفتارهای فرهنگی دیگری هم موجود است که ریشه در واقعیتها، باورها و برداشتهای غیرمذهبی و عرفی دارد. در جامعه، کیش تنها نیست و در برابر کیش، ناکیش هم هست و عمل می‌کند («نا» نه به معنای ضد که به معنای «جز» و «غیر»). نوروز از این حوزه از واقعیت اجتماعی-تاریخی مردم سرزمینهای ما سرچشمه می‌گیرد. اهمیت کتاب کوچک سیدهاشم نجفی یزدی از جمله در این است که این نکته را متبادر به ذهن می‌کند.

پس «فالوذج» گوارای وجود بفرمایید. «فنوروزوا ان قدرتم کل یوم» که با چند کلمه عربی، نوروز عزیزده و ملاخور نمی‌شود! نوروزتان شاد ■